برخورد با همکاران پروژه‌های ضدامنیتی شروع شد

ساعت صفر مجازات شبکه خرابکاری موساد

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

«بهم گفت چند تا از اراذل و اوباش و دوستانت را با خودت جمع کن کارهایی که لازم است رو انجام بده... از من ربایش می‌خواست، ترور می‌خواست، انفجار می‌خواست.» این بخشی از صحبت‌های وفا هناره، فردی است که به اتهام جاسوسی بازداشت شده بود. وفا بعد از برقراری ارتباط با یکی از افسران اطلاعاتی ارتش موساد به اسم «تونی» یا «آرش» که در آبان ۱۴۰۰ در ترکیه با او ارتباط برقرار کرده بود، تیم عملیاتی برای اجرای خواسته‌های خود تشکیل می‌دهد که شامل دو بخش اطلاعاتی و عملیاتی بود. این تیم اما از افراد خبره، جاسوسان حرفه‌ای و آموزش‌دیده تشکیل نشده بود، اعضای اصلی این تیم را اراذل و اوباشی تشکیل می‌دادند که دوستان وفا بودند، چیزی که البته افسر اطلاعاتی موساد از او خواسته بود. کارویژه اصلی نیز انجام خرابکاری، آزار و اذیت افراد، انجام عملیات‌های ترور و بمب‌گذاری بود.

عملیات آغاز شد

این تیم عملیاتی قرار بود، اقدام به ترور یکی از شخصیت‌ها کند که لو می‌رود و بازداشت می‌شود. روز گذشته نیز خبر اعدام سه نفر از سرشاخه‌های این تیم تروریستی وابسته به موساد منتشر شد. نکته قابل‌توجه در این میان این است که پیش از این، جاسوسان و نفوذی‌های اسرائیل را افرادی تشکیل می‌دادند که در قالب افراد آموزش‌دیده تلاش داشتند تا به نهادها و سازمان‌ها نفوذ کنند و دست به سرقت اطلاعات بزنند اما به‌نظر می‌رسد حالا برنامه‌ریزی موساد برای انجام اقدامات علیه امنیت ملی ایران بیشتر متمرکز بر استفاده از اراذل اوباش بوده که با مبلغ کمتر و دادن وعده، حاضر به انجام فعالیت‌های خرابکارانه می‌شوند و برخی حتی مطلع نمی‌شوند که این اقدامات را برای موساد انجام می‌دهند. برای مثال در جریان اتفاقات سال گذشته، بسیاری از خرابکاری‌هایی که در جریان ناآرامی‌ها سال گذشته و حمله به پاسگاه‌های نیرو انتظامی و شهادت برخی ماموران نیروی انتظامی، توسط همین افراد انجام شد که با هدف ایجاد ناامنی صورت می‌گرفت.

آدم‌ربایی به نمایندگی از موساد

یکی از فعالیت‌هایی که این تیم انجام می‌داد دزدیدن برخی افراد و اشخاص، شکنجه کردن آنها و مجبور کردن افراد به اعتراف و دادن اطلاعاتی بود که آنها می‌خواستند مواردی که برخی از آنها نیز منتشر می‌شد و موساد ادعا می‌کرد، عوامل سپاه را بازداشت کرده و از آنها اعتراف نیز گرفته است. برای مثال اردیبهشت سال گذشته موساد یک ویدئو و فایل صوتی منتشر کرد که ادعا می‌کرد فردی به نام منصور رسولی که عضو سپاه قدس است، توسط نیروهای موساد بازجویی شده است. موساد البته ادعا می‌کرد این بازجویی در ابتدای زمستان ۹۹ در یکی از استان‌های شمال غرب کشور آغاز شده است.

موضوعی که با واکنش این فرد نیز همراه شد. رسولی اما حتی کارمند یکی از ارگان‌های دولتی هم نبود. شغل او کشاورزی بود که او شرح این اتفاق را نیز این‌طور توضیح می‌دهد: «چندی پیش مورد ربایش یکی از تیم‌های زورگیر قرار گرفتم، به چشم‌های من گاز اشک‌آور زدند، دست‌هایم را بستند و به مکان نامعلومی بردند و به کشتن خودم و اعضای خانواده‌ام تهدید کردند و گفتند باید حرف‌هایی را که ما به شما می‌گوییم، تکرار کنید.»

احساس امنیت نقطه هدف صهیونیست‌ها

تیم عملیاتی وابسته به موساد تقریبا مجموعه‌ای از اقدامات خرابکارانه را که آسیب آن مستقیما متوجه امنیت داخلی ایران می‌شد، انجام می‌داد. استفاده از اراذل و اوباش با همین هدف صورت می‌گرفت، تمام آن چیزی که تیم وفا باید انجام می‌داد خرابکاری، آتش‌سوزی، دزدی، آدم‌ربایی و زورگیری بود. تقریبا تمام اقداماتی که اوباش در آن مهارت دارند اما این اقدامات ناظر به افراد مشخص و با دستور مستقیم موساد انجام می‌شد. بر این اساس می‌توان چند انگیزه از فعالیت این تیم تروریستی را مورد توجه قرار داد؛ در وهله اول بخشی از فعالیت‌های این تیم ناظر به جمع‌آوری اطلاعات و مشخصات از افرادی که موساد می‌خواست جمع‌آوری می‌کرد. برخی از افرادی که این اطلاعات را در اختیار وفا می‌گذاشتند، اغلب از این موضوع مطلع نبودند که این اطلاعات را در اختیار رابط موساد قرار می‌دهند. اطلاعات تکمیلی از جانب این افراد جمع‌آوری می‌شد و بعد از آن تیم عملیاتی، وارد میدان می‌شد، حالا این عملیات‌ها شامل آتش‌زدن خودرو، دزدیدن گوشی موبایل و ربایش آنها بود و از طریق ایجاد مزاحمت و تهدید برخی افرادی که موساد معتقد بود به سپاه وابسته هستند، صورت می‌گرفت و از این طریق وانمود می‌کرد که درحال ضربه زدن به ایران است. انگیزه دیگری که در ادامه این اقدامات مورد توجه قرار دارد، ایجاد و القای حس ناامنی در میان مردم است، شاید ملموس‌ترین مثال آن را بتوان ماجرای ناآرامی‌های پاییز سال گذشته دانست و افرادی که شبانه مزاحم مردم می‌شدند، ماشین‌های آنها را آتش می‌زدند، خیابان‌ها را بند می‌آوردند و تلاش می‌کردند حس ناامنی را به مردم جامعه القا کنند. این موضوع البته امری بوده که همواره از جانب قدرت‌های خارجی ازجمله موساد مورد توجه قرار داشته است. امنیت، امری حساس و بسیار شکننده است. کافی است این احساس وجود امنیت در میان مردم را از بین ببرید. تفاوتی نمی‌کند که این اقدامات از جانب تروریست‌های داعشی صورت بگیرد یا اراذل و اوباشی که وابسته به موساد این اقدام و فعالیت‌ها را انجام می‌دهند. رژیم صهیونیستی با علم به این موضوع همواره به‌دنبال ایجاد خدشه در امنیت مردم بوده است، امری که تاثیر مستقیمی بر مقبولیت یک نظام حکمرانی می‌گذارد و نبود آن منجر به ایجاد هرج‌ومرج در جامعه می‌شود.

ناامنی در سرزمین‌های اشغالی

در نقطه مقابل نیز تامین امنیت مردم اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی امری بوده که صهیونیست‌ها مدعی بودند آن را به نحو احسن انجام می‌دادند. بااین‌حال شدت گرفتن عملیات‌های شهادت‌طلبانه توسط نیروهای مقاومت، این ادعا را به چالش کشید. امری که علاوه‌بر واکنش‌های منفی که در میان ساکنان سرزمین‌های اشغالی نسبت به رژیم ایجاد می‌کرد، خسارت‌هایی نیز برای آنها ازجمله اینکه توریست‌ها دیگر حاضر نخواهند بود سرزمین‌های اشغالی را برای سفر انتخاب کنند و ترجیح می‌دهند مکانی امن‌تر را برای سفر انتخاب کنند، به‌همراه خواهد داشت. این موضوعات باعث می‌شد این نکته مورد نقد قرار گیرد که برخلاف آنچه از جانب سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل مبنی‌بر رصد دقیق ارائه می‌شد اما در واقعیت میدان اتفاقاتی رخ می‌داد که نشان می‌داد علی‌رغم تصویری که سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل از خود ساخته بودند، آنطور که باید توانایی جلوگیری از ایجاد ناامنی را ندارد. بر همین اساس سازمان‌های اطلاعاتی صهیونیستی برای کم کردن فشار افکار عمومی و رسانه‌های خود، همواره به‌دنبال انجام اقدامات خرابکارانه و جاسوسی در ایران، کشوری بودند که آن را پشت‌پرده تمام اتفاقات و ناآرامی‌ها در سرزمین‌های اشغالی می‌دانند و برخی از این فعالیت‌ها را رسانه‌ای نیز می‌کردند تا به‌نوعی قدرت‌نمایی کنند و از این طریق فشارهایی را که درون سرزمین‌های اشغالی و از جانب منتقدان مطرح می‌شود، به‌نوعی کم کنند.

ضربه سنگینی که فراموش نمی‌شود

نقطه آغاز این فعالیت‌ها و اقدامات خرابکارانه صهیونیست‌ها به پیش از اتفاقات پاییز سال گذشته برمی‌گردد و تنش‌های میان صهیونیست‌ها و ایران در این سال‌ها همواره ادامه داشته و البته ایران نیز همواره پاسخ این اقدامات را داده است. صهیونیست‌ها در قبال شکست‌هایی که در این عرصه می‌خوردند، اقدامات و فعالیت‌های خرابکارانه خود در ایران را ضریب رسانه‌ای می‌دادند تا بگویند در حال ضربه زدن به ایران هستند. آغاز عملیات طوفان الاقصی و ضربه‌ای که نیروهای مقاومت به صهیونیست‌ها وارد کردند، آنقدر سنگین بود که همچنان این موضوع از جانب منتقدان مطرح می‌شود. واقعیت این بود که صهیونیست‌ها همواره از سامانه گنبدآهنین و رصد دقیق اطلاعاتی نیروهای مقاومت می‌گفتند و اگرچه در هر عملیات صهیونیست‌ها شکستی محتمل می‌شدند، اما این بار نیروهای مقاومت حصارهای مرزی را شکستند و وارد خاک سرزمین‌های اشغالی شدند و صهیونیست‌ها تا ساعاتی بعد از این موضوع مطلع نشدند. امری که ضربه کاری سنگینی به نیروهای نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی وارد کرد که تا سال‌ها فراموش نخواهد شد. صهیونیست‌ها اما از آغاز عملیات‌های زمینی به دنبال این بودند که شکست اولیه را تبدیل به پیروزی نهایی کنند، امری که به نظر می‌رسد با وجود ادامه‌دار شدن جنگ نیز هنوز محقق نشده است. برهمین مبناست که حالا صهیونیست‌ها در جست‌وجوی پیروزی دست به ترور سیدرضی موسوی، مستشار نظامی ایران در سوریه زدند تا از این طریق فضای منفی که درباره ادامه جنگ و عدم به دست آوردن پیروزی مطرح می‌کنند را اندکی تغییر دهند.

کردهای تجزیه‌طلب؛ متحد صهیونیست‌ها

این درگیری‌ها و تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی برای اولین بار اتفاق نیفتاده است. برای مثال در جریان اتفاقات سال گذشته و حضور پررنگ نیروهای تجزیه‌طلب در جریان ناآرامی‌ها و انجام اقدامات و فعالیت‌های خرابکارانه علیه ایران، علاوه‌بر جلساتی که پیش‌تر با گروه‌های برانداز توسط عوامل رژیم صهیونیستی تشکیل می‌شد اسناد مشخصی از آموزش و کمک‌های صهیونیست‌ها به گروهک‌های تجزیه‌طلبی که در مرزهای ایران حضور داشتند وجود داشت، امری که با واکنش ایران همراه شد و مقر اعضای این گروهک‌ها مورد حمله ایران قرار گرفت. ایران مشخصا این موضوع را مطرح کرد که اعضای این گروهک باید از مرزهای ایران فاصله بگیرند.

یکی از اقدامات تروریستی که اعضای این گروهک با حمایت موساد قصد انجام آن در سال گذشته را داشتند عملیات حمله به تاسیسات صنعتی اصفهان بود، صهیونیست‌ها تعدادی از نیروهای گروهک کومله را برای انجام این عملیات انتخاب و آنها را برای آموزش انفجار راهی آفریقا می‌کنند و بعد از آن برای اجرای عملیات خرابکارانه راهی ایران می‌شوند. بعد از این اقدامات و فعالیت‌ها بود که ایران خیلی جدی‌تر لزوم جابه‌جایی اعضای این گروه از مرز عراق را به مقامات کشور عراق و اقلیم کردستان مطرح کرد. در ادامه این خرابکاری‌ها برخی از اعضای تیم عملیاتی که روز گذشته خبر اعدام سرشاخه‌های آنها منتشر شد نیز از کردهای ارومیه بودند که نشان می‌دهد همچنان ارتباط میان اعضای گروهک تروریستی کومله و دموکرات برای انجام عملیات‌های خرابکارانه علیه مردم ایران وجود دارد. بعد از این اقدامات و ترور سیدرضی موسوی در سوریه مرکز مقاومت اسلامی عراق اعلام کرد که یک مرکز جاسوسی رژیم صهیونیستی را در عراق هدف حمله قرار داده که در جریان آن برخی اعضای این سازمان نیز مجروح و زخمی شده‌اند. مرکز مقاومت اسلامی اما اعلام کرد که این حملات ادامه‌دار خواهد بود.

قدرت اطلاعاتی برباد رفته صهیونیست‌ها

صهیونیست‌ها با روش‌های مختلفی تلاش می‌کردند تا سیطره اطلاعاتی خود و نفوذ به دستگاه‌های امنیتی کشورهایی که دشمن آنها هستند را به‌عنوان یکی از نقاط قوت اطلاعاتی خود نشان دهند. امری که در برهه‌های مختلف کافی نبودن آن مشخص شده بود اما در جریان عملیات ۷ اکتبر و بعد از اینکه مشخص شد نیروهای حماس از طریق برخی نفوذی‌هایی که در ارتش رژیم داشتند، توانستند اطلاعاتی به دست بیاورند و اتفاقا هک سامانه‌ها از طریق این نفوذی‌ها اتفاق افتاده است ضربه سختی به این چهره ساخته‌شده وارد شد. این امر پیش از این نیز در جریان اتفاقاتی که از جانب نیروهای موساد در ایران اتفاق افتاده بود مشخص شده بود که نمونه آخر آن انجام فعالیت‌های خرابکارانه توسط تیم اوباش وابسته به رژیم صهیونیستی بود که برخی اقدامات آنها نمایشی و صرفا برساخت رسانه‌ای داشت که البته غیرواقعی بودن آن خیلی زود مشخص شد. با این حال به نظر می‌رسید حالا و بعد از تلاش‌های زیاد صهیونیست‌ها برای ساخت یک تصویر قدرتمند از خود این تصویر ساخته‌شده، غیرواقعی بودن آن بعد از ۷ اکتبر بیش از گذشته مشخص شده و درحالی‌که صهیونیست‌ها به دنبال بازسازی آن هستند به نظر می‌رسد زمان زیادی نیاز است تا قدرت تضعیف‌شده صهیونیست‌ها حتی به میان باور افکار عمومی صهیونیست‌ها بازگردد.

کشمکش اطلاعاتی میان ایران و اسرائیل

در ادامه این درگیری‌ها و تنش اما صهیونیست‌ها همواره به دنبال این بودند که ایران را عامل انجام عملیات طوفان الاقصی بدانند، موضوعی که ایران در پاسخ آن گفته که از عملیات‌ها و فعالیت‌های محور مقاومت استقبال و از آنها حمایت خواهد کرد اما حماس این عملیات را خود آغاز کرده است، موضوعی که حماس نیز در بیانیه‌های خود به آن تاکید کرده است. در پس این ادعاهاست که صهیونیست‌ها به دنبال وارد کردن ضربه به ایران سیدرضی موسوی را به شهادت رساندند تا شرایط منفی و فرسایشی که جنگ غزه برای آنها به همراه داشته را به پیروزی تبدیل کنند. موضوع اما این نیست که آیا ایران عامل آغاز جنگ ۷اکتبر بوده است یا نه؛ چراکه محل نزاع میان اسرائیل و ایران از ۷ اکتبر آغاز نمی‌شود و نقطه اوج تنش‌ها در جریان اتفاقات پاییز سال گذشته و اقدامات صهیونیست‌ها علیه ایران بود و پیش از آن نیز همواره جاسوس‌های صهیونیستی با محوریت خدشه به فعالیت‌های هسته‌ای و نظامی ایران اقدامات خرابکارانه انجام می‌دادند و ایران نیز پاسخ مستقیم یا غیرمستقیمی به این اقدامات داده است.

بررسی مسیرهای پیگیری حقوقی ترور سردار موسوی

ابزارهای جنگ حقوقی با اسرائیل

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

آمریکا و رژیم صهیونیستی دو دولتی هستند که تاکنون بارها مقامات و دانشمندان کشورمان را به شهادت رسانده‌اند. شهید سلیمانی، فخری‌زاده و اخیر هم شهید موسوی سه مقام رسمی شاخص‌مان هستند که توسط این دو دولت به شهادت رسیده‌اند. اگرچه پس از شناسایی عاملان اصلی این جنایت می‌شود آنها را به دلیل جنایات‌شان در دادگاه‌های داخلی محکوم کرده و آنها را توسط اینترپل مورد پیگرد قانونی قرار داد اما در مورد سردار سلیمانی که فرستاده ویژه کشورمان به عراق محسوب می‌شد و نیز سردار سیدرضی موسوی که رایزن دوم سفارت ایران در سوریه بود از طریق رجوع به کنوانسیون ۱۹۷۳ در دادگاه‌های بین‌المللی اعاده حق نبوده و استرداد محکومان را مطالبه کرد. این کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی ازجمله ماموران سیاسی است. پیش از این اقدامات حقوقی برای مورد پیگرد قرار دادن عاملان حادثه تروریستی فرودگاه بغداد آغاز شده و این توقع می‌رود که این پیگیری‌ها در مورد شهادت سردار موسوی که رسما یک مقام سیاسی حاضر در سوریه بوده نیز پیگیری شود.

کنوانسیون ۱۹۷۳ درباره مصونیت ماموران سیاسی چه می‌گوید

مطابق بند ب ماده ۱ این کنوانسیون کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت‌های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مامور دیگر یکی از سازمان‌های بین‌المللی یا بین‌دول هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکنای شخصی یا وسایل نقلیه، او حق دارد به موجب حقوق بین‌الملل از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضای خانواده خود که با او زندگی می‌کنند، برخوردار گردد.

مطابق ماده ۲ موارد ذیل در قوانین داخلی هریک از کشورهای طرف کنوانسیون جرم محسوب خواهد گردید.

الف- قتل و ربودن یا نوعی دیگر حمله علیه شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین‌المللی

ب- حمله خشونت‌آمیز به اماکن رسمی و محل سکنی یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد

حمایت بین‌المللی به‌نحوی که جان یا آزادی او به مخاطره افتد.

ج- تهدید به اعمال این قبیل حملات

د- شروع به ارتکاب این قبیل حملات

ه- مداخله در ارتکاب این قبیل حملات به‌عنوان شریک جرم.

مطابق این مواد رژیم صهیونیستی در ترور شهید سیدرضی موسوی از دیدگاه حقوق بین‌الملل دولتی مجرم محسوب می‌شود.

کنوانسیون ۱۹۷۳ برای برخورد با مجرمان چه راهکاری دارد

از آنجا رژیم صهیونیستی به هیچ اصل دیپلماتیکی مقید نیست و جمهوری اسلامی ایران نیز این رژیم را به‌رسمیت نمی‌شناسد، بنابراین پیگیری حقوقی مسائل فی‌مابین از طریق مذاکرات مستقیم امری باطل است اما این امر باعث نمی‌شود که کنوانسیون ۱۹۷۳ به‌لحاظ حقوقی در استیلای حق ایران درمورد شهادت سیدرضی موسوی ناکارآمد شود.

مطابق ماده ۴- کشورهای طرف کنوانسیون برای جلوگیری از وقوع جرائم مندرج در ماده ۲ ازجمله از طرق مشروح زیر همکاری خواهند نمود:

الف- اتخاذ تدابیر ممکن در سرزمین خود برای جلوگیری از تهیه مقدمات جرمی که درنظر است در داخل یا خارج سرزمین او ارتکاب یابد.

ب- مبادله اطلاعات و هماهنگ کردن اقدامات مقتضی اداری و دیگر تدابیر برای جلوگیری از ارتکاب این جرائم.

مطابق ماده ۶ نیز کشور طرف کنوانسیون که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او به سر می‌برد، درصورتی‌که اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد با رعایت قانون داخلی خود اقدامات لازم را جهت مراقبت مظنون به‌منظور تعقیب یا استرداد او معمول خواهد نمود.

با استناد به مواد ۴ و ۶ می‌توان گفت اگر مجرمان در جایی غیر از فلسطین اشغالی اسکان داشتند یا مسافر بودند ایران می‌تواند با شناسایی آنها از سایر کشورهای عضو کنوانسیون درخواست نماید که اطلاعات لازم برای دستگیری آنها و پیشگیری از جرم به تهران داده شود. مطابق ماده ۱۱ کشوری که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او تحت تعقیب است نتیجه قطعی تعقیب را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسانید و دبیرکل مراتب را به سایر کشورهای طرف کنوانسیون اطلاع خواهد داد.

بنابراین می‌توان گفت: «کنوانسیون ۱۹۷۳ به‌منظور نشان دادن میزان اهمیت حقوق بین‌الملل در اعطای ضمانت اجرای پیروی از مقررات حمایتی از ماموران رسمی دولت‌ها، جرائم ارتکابی علیه این افراد را واجد مسئولیت کیفری فردی دانسته و دولت پذیرنده را برای رسیدگی به جرائم این اقدامات، واجد صلاحیت کیفری شناخته است.»

راه شکایت به دادگاه بین‌المللی هم باز است

مطابق بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۷۳ اختلافات بین دو یا چند کشور طرف کنوانسیون - ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون - که از طریق انجام مذاکرات حل و فصل نگردد - حسب تقاضای یکی از آنها به داوری ارجاع خواهد شد. هرگاه شش ماه پس از تاریخ تقاضای ارجاع به داوری طرف‌ها نسبت به ترتیب داوری توافق ننمایند - هریک از طرف‌های مذکور می‌تواند با رعایت اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختلاف را به دیوان ارجاع نماید.

ترور شهید موسوی با هر استدلالی نامشروع است

رژیم صهیونیستی ممکن است با سه استدلال اقدام به ترور شهید موسوی کرده باشد که بررسی قوانین بین‌المللی هر سه استدلال را به‌لحاظ حقوقی بی‌پشتوانه می‌کند.

مطابق استدلال اول ترور سردار موسوی در قالب مبارزه با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از سال ۲۰۰۹ در فهرست سازمان‌های (به‌اصطلاح) تروریستی آمریکا قرار گرفت، انجام شده است.

در پاسخ به این استدلال باید گفت که استناد به ادعایی که مشروعیت بین‌المللی نداشته و صرفا با رویکردی سیاسی توسط دولت یک کشور مورد تایید قرار گرفته، امری باطل است. با همین استدلال آمریکا نیز باید درقبال ترور شهید سلیمانی در مجامع بین‌المللی پاسخگو شود.

مطابق استدلال دوم ترور سردار موسوی در قالب «دفاع مشروع» به‌عنوان بخشی از درگیری‌های رژیم صهیونیستی با سوریه در جنگ اخیر انجام شده است. هرچند ایران هرگونه مداخله در جنگ غزه را رد و بارها بر فلسطینی بودن این نبرد تاکید کرده اما رژیم صهیونیستی با هدف جلب حمایت‌های نظامی بیشتر بارها بر نقش ایران در جنگ تاکید کرده بلکه بتواند در مورد دشمن خود در میدان نبرد بزرگنمایی کند. این بزرگنمایی درحالی است که رژیم صهیونیستی تاکنون پاسخ‌های خود را از دیگر بال‌های جبهه مقاومت دریافت کرده و ایران هیچ‌گونه ورود مستقیمی به جنگ نداشته، لذا ترور شهید موسوی به‌عنوان یک فرد ایرانی در این باره کاملا محکوم است. برفرض محال اگر در مورد هرگونه دخالت ایران در جنگ سندی ارائه شود باز هم ترور سیدرضی موسوی به‌عنوان رایزن دوم سفارت ایران در سوریه که یک جایگاه سیاسی است؛ امری کاملا مذموم و مخالف با قوانین بین‌الملل است.

از سوی دیگر ترور سردار موسوی، نقض آشکار قاعده آمره «منع توسل به زور» در حقوق بین‌الملل است؛ چراکه مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد توسل به زور در قالب «دفاع مشروع» صرفا درصورت وقوع حمله مسلحانه غیرقابل پیش‌بینی ضد یک عضو ملل متحد قابل استناد است. این ماده که به‌صورت یک اصل حقوق بین‌الملل عام درآمده است، توسل به زور را فقط دربرابر یک تجاوز نظامی و به‌شرط آنکه شورای امنیت فورا در جریان اقدامات انجام‌شده در حالت دفاع مشروع گذاشته شود، مجاز شمرده است.

مطابق استدلال سوم ترور سردار سلیمانی به‌عنوان «اقدام پیش‌دستانه» و جلوگیری از برنامه‌ریزی او جهت حمله به رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. در پاسخ به این استدلال باید گفت که حقوق بین‌الملل در تفسیر خود از دفاع مشروع، هیچ‌گاه مجوز توسل به زور در مواردی که هنوز، حمله مسلحانه‌ای علیه یک کشور صورت نپذیرفته را نپذیرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اقدامات نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه، تاکید کرده است که «دفاع مشروع اعم از فردی یا جمعی، فقط در واکنش و عکس‌العمل به یک حمله مسلحانه، قابل اعمال است.»

حال آنکه این رژیم صهیونیستی است که بارها خاک سوریه را در جنگ اخیر هدف قرار داده و دولت سوریه به‌عنوان کشور محل اسکان سیدرضی موسوی حق دفاع مشروع از خود را دارد، نه کشوری که با حملات هوایی غیرقابل پیش‌بینی توسط رژیم صهیونیستی امنیت شهروندانش را در خطر می‌بیند.

تجاوز به خاک سوریه و تضاد آن با قوانین بین‌المللی

قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۹۷۴ مجمع عمومی راجع به تعریف تجاوز، در ماده ۱ خود تجاوز را به اینگونه تعریف می‌کند:

«تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، آنچنان که در این تعریف آمده است.»

در جریان ترور سردار شهید موسوی، منطبق بر تعریف ارائه‌شده از تجاوز در قطعنامه فوق‌الذکر تمامی عناصر احراز یک عمل تجاوزکارانه وجود دارد. اقدامی مسلحانه، توسط یک دولت (رژیم صهیونیستی) علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر (سوریه) به‌صورت آشکارا اتفاق افتاده و رژیم صهیونیستی به‌صراحت مسئولیت این اقدام در قلمرو این کشور را برعهده گرفته است.

مطابق کنوانسیون ۱۹۶۹ نقض مصونیت نمایندگان دولت‌های فرستنده نزد دولت پذیرنده، نه‌تنها حقوق شناخته‌شده بین‌المللی راجع به ماموران ویژه و اشخاص تحت حمایت بین‌المللی را نادیده گرفته و در این حالت، دولت فرستنده را به‌عنوان مدعی مورد شناسایی قرار داده است، بلکه درصورتی‌که این نقض از جانب دولت ثالث در قلمرو دولت پذیرنده رخ بدهد، به‌دلیل نقض حاکمیت دولت پذیرنده، در قالب «اقدامی تجاوزکارانه» علیه دولت پذیرنده نیز رخ می‌نماید.